

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## نقش امامت در وحدت اسلامی

### مقدمه:

در تاریخ پرفرازونشیب اسلام، تفرقه بین مذاهب و ملل اسلامی از مسائل پیچیده و خسارت باری است که لطمه‌های مادی و معنوی جبران‌ناپذیری را بر پیکر امت واحده اسلامی وارد ساخته است. در اینکه وحدت و انسجام مسلمانان یکی از ضروریات جهان اسلام است، هیچ شک و تردیدی وجود ندارد؛ بلکه سیره و سنت نبوی و ائمه (ع) بر این رویکرد استوار بوده است که میان امت اسلام، وحدت و انسجام برقرار باشد و چالش‌های آنان به حداقل برسد.

مقوله وحدت در یک نگاه در سه تعریف مطرح می شود:

۱. وحدت مطلق؛

۲. وحدت مصلحتی؛

۳. وحدت معقول.

**وحدت مطلق:** اتفاق نظر در عقاید، معارف و احکام اسلامی

با تمام اصول و فروع در میان فرق اسلامی؛ این نوع اتحاد

به قدری بعید است که می توان گفت به هیچ وجه امکان پذیر

نیست.

**وحدت مصلحتی:** عوامل خارج از حقیقت و متن دین،

ناشی از این وحدت مصلحتی است و اینکه این نوع

وحدت جبری بتواند فرقه ها و مذاهب اسلامی را از

هماهنگی و اتحاد همیشگی و پایدار برخوردار سازد،  
انتظاری نابجا است.

**وحدت معقول:** قرار دادن اصول کلی دین و مشترکات  
اسلام به عنوان محور وحدت.

تحقق این نوع اتحاد، هرگز مانع شرعی و عقلی ندارد و  
مقصود از وحدت اسلامی، این نیست که پیروان هر یک  
از مذاهب، از عقیده خود دست برداشته و عقیده مخالف  
را انتخاب کنند؛ بلکه این نوع وحدت به معنای اتحاد  
مسلمانان در مقابل دشمنان اسلام، برای تحقق آرمان‌های  
جهانی و جاویدان اسلام است.

بدیهی است که تشکیل دادن صف واحد در برابر دشمن  
برای دفاع از مسلک، بایان حقایق تاریخی و دینی منافاتی  
ندارد.

مرحوم علامه امینی (ره) یکی از شخصیت‌هایی است که با  
نوشتن کتاب شریف «الغدیر» نه تنها به وحدت اسلامی  
آسیبی نرساند؛ بلکه پایه‌های اعتقادی اسلام را با مبانی  
علمی مستحکم کرد. به همین جهت از کشورهای اسلامی  
مختلف، مخصوصاً مصر تقدیرنامه‌های فراوانی دریافت  
کرد.

ایشان می‌گوید: «بیان عقاید و آرا دربارهٔ مذاهب آزاد است  
و هرگز اخوت اسلامی را که قرآن کریم با جمله «انَّمَا  
الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»؛ «همانان مؤمنان با یکدیگر برادرند.» بدان

تصریح دارد، از بین نمی‌برد. همان‌طور که سیره گذشتگان

و در رأس آنها صحابه و تابعین بوده است.» [۱]

مسلمانان اصول و مشترکات بسیاری دارند که می‌تواند

مایهٔ وفاق، استحکام و اتحاد آنان گردد. اگرچه موضوع

«امامت» از جمله مباحث کلامی است که در طول تاریخ به

عنوان یک موضوع مورد نزاع بین شیعه و سنی مطرح بوده

است؛ ولی اگر مسلمانان با رویکردهای مذاهب اسلامی

دربارهٔ مبانی امامت اطلاع کامل داشته باشند، نه تنها این

مسئله موجب اختلاف نمی‌گردد؛ بلکه زمینه‌های اتحاد و

همگرایی بر محور «اهل‌بیت(ع)» بیشتر آشکار می‌شود.

بخش مهمی از کینه‌ها و دشمنی‌های فرق اسلامی را عدم

آگاهی از عقاید یکدیگر تشکیل می‌دهد که دشمن نیز از

این خلأ و فرصت سوءاستفاده کرده است.

این نوشتار، با بهره‌گیری از برخی آیات و روایات اسلامی  
[خاصه روایات اهل سنت] به موضوع «نقش امامت» ایجاد  
وحدت اسلامی» می‌پردازد.

## قرآن و وحدت

یکی از مهم‌ترین منابع کشف ضرورت اتحاد اسلامی، قرآن  
کریم است: خداوند سبحان در آیات فراوانی به این امر  
مهم تأکید دارد و می‌فرماید:

۱. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ  
الْبَيِّنَاتُ وَاُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ [۲] «و مانند کسانی  
نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند، [آن‌هم]  
پس از آنکه نشانه‌های روشن [پروردگار] به آنان رسید! و  
برای آنها عذاب عظیمی است.»

۲. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ

لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»؛ [۳] «مؤمنان برادر یکدیگرند، [بنابراین]

میان دو برادر خود صلح برقرار سازید و تقوای الهی پیشه

کنید تا مشمول رحمت [او] شوید.»

۳. «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ

إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»؛ [۴] «کسانی

که آیین خود را پراکنده ساختند و به دسته های گوناگون

[مذاهب مختلف] تقسیم شدند، با آنها هیچ گونه ارتباطی

نداری، کار آنها واگذار به خداست، پس خدا آنها را

از آنچه انجام می دادند، باخبر می کند.»

۴. «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ

رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ [۵] «و اطاعت از

خدا و رسولش کنید و نزاع نکنید که سست می شوید و

قدرت شما از بین می‌رود و خویشتن‌داری کنید که خداوند  
با خویشتن‌داران است.»

۵. «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»؛ [۶]

«این امت شما [پیامبران بزرگی که به آنها اشاره کردیم و  
پیروان آنها] امت واحدی بودند و من پروردگار شما هستم،  
مرا پرستش کنید.»

۶. «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ [۷] «همگی به  
ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید!»

### مفهوم و مصداق «حبل‌الله»

یکی از آیات شریفه که به‌صراحت تمام به اتحاد بین  
مسلمانان امر نموده است و برای وحدت آنان نیز محوری  
قرار داده است، آیه «اعتصام» [۱۰۳ آل‌عمران] است.

از این آیه استفاده می‌شود که ایجاد وحدت نیازمند یک محور واحد است؛ زیرا مسلمانان را فرمان می‌دهد که به «حبل‌الله»؛ یعنی ریسمان الهی تمسک جویند؛ به عبارت دیگر، خداوند در آیهٔ اعتصام با تعیین رمز وحدت در امت اسلامی می‌فرماید: وحدت محقق نمی‌شود، مگر با اعتصام و تمسک به «حبل‌الله».

نکته قابل توجه این است که از محور وحدت به «ریسمان» تعبیر شده است.

مرحوم علامه طباطبایی (ره) می‌گوید: «اعتصام به حبل‌الله؛ یعنی آن رابط و واسطه‌ای که بین عبد و رب را به هم وصل می‌کند و آسمان را به زمین مرتبط می‌سازد.» [۸]

بنابراین، ریسمان مورد نظر دارای دو سوی است: یک سوی آن امت و خلق و سوی دیگرش خداوند و خالق، پس باید این محور وحدت، به عالم غیب و ملکوت متصل باشد تا بتواند حلقهٔ ارتباط عالم شهود با عالم غیب گردد.

در اینجا سؤالی به ذهن می‌آید که: چه کسی و یا چه چیزی شأنیت «حبل الله» بودن را دارد؟

مفسران در این باره احتمالات مختلفی را ذکر کرده‌اند که به اختصار بیان می‌شود:

۱. «حبل» قرآن است: «أبی سعید خُدَری» می‌گوید: رسول خدا(ص) فرمود: حبل الله که از آسمان به زمین کشیده شده، همان کتاب خدا، قرآن است. [۹]

۲. «حبل الله» اسلام است. [۱۰]

۳. «حبل الله» همان اهل بیت و ائمه معصومین (ع) هستند:

امام باقر (ع) فرمودند: «حبل الله» آل محمد (ص) هستند. [۱۱]

این احادیث و تفاسیر، با یکدیگر اختلاف و تضادی

ندارند؛ زیرا منظور از ریسمان الهی هرگونه وسیله ارتباط

با ذات پاک خداوند است، خواه این وسیله قرآن، اسلام،

یا پیامبر (ص) یا اهل بیت (ع) باشد. [۱۲]

اهل بیت (ص) مصداق اتم «حبل الله»

از آیات قرآن استفاده می شود که خداوند برای بشر دو امام

قرار داده است:

۱. امام صامت؛

۲. امام ناطق.

قرآن در وصف امام صامت می‌فرماید: «وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ  
مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً»؛ [۱۳] «و پیش از آن کتاب موسی  
راهنما و رحمت بود.»

در آیه دیگری حضرت ابراهیم (ع) به عنوان امام ناطق  
معرفی شده است: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ  
قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»؛ [۱۴] «هنگامی که پروردگار  
ابراهیم، او را با دستوراتی آزمود و او به‌طور کامل از عهده  
آنها برآمد، به او فرمود: من تو را پیشوای (امام) مردم قرار  
می‌دهم.»

از این آیات استفاده می‌شود که امام صامت - که همان  
کتاب‌های آسمانی از جمله قرآن است - به‌تنهایی برای  
هدایت بشر کافی نیست؛ زیرا آیات این کتاب‌ها، ظاهر و  
باطنی دارند و دارای جوهری می‌باشند که می‌توان لفظ را

بر هر یک از آن وجوه معنا کرد، از این رو در انسان در کنار  
امام صامت به امام ناطقی احتیاج دارد که در موارد  
اختلاف، اراده حضرت حق را بیان کند. امام ناطق و امام  
صامت، در کنار یکدیگر محور حق و وحدت اسلامی  
می باشند که قرآن از آنها به عنوان «جبل الله» تعبیر می کند.  
همچنین با مراجعه به روایاتی که از سوی فریقین ذیل آیه  
اعتصام وارد شده است به این نتیجه می رسیم که ریسمان  
الهی همان ائمه معصومین (ع) هستند که انسان را  
به طور قطع و یقین به خداوند متعال می رسانند. «ابن حجر  
هیشمی» از علمای متعصب اهل سنت، این آیه را در ردیف  
آیاتی آورده که در شأن اهل بیت (ع) وارد شده است. [۱۵]  
«ثعلبی» در «تفسیر کبیر»، از امام صادق (ع) نقل می کند که:  
مراد از جبل الله در آیه شریفه، ما اهل بیت (ع) هستیم. [۱۶]

محمد بن ادریس، [امام شافعی] در قصیده خود می گوید:

وَلَمَّا رَأَيْتُ النَّاسَ قَدْ ذَهَبَتْ بِهِمْ

مَذَاهِبُهُمْ فِي أَبْحُرِ الْغَيِّ وَالْجَهْلِ

رَكِبْتَ عَلَى اسْمِ اللَّهِ فِي سُفْنِ النَّجَا

وَهُمْ أَهْلُ بَيْتِ الْمُصْطَفَى خَاتِمِ الرُّسُلِ

وَأَمْسَكْتُ حَبْلَ اللَّهِ وَهُوَ وَلَائُهُمْ

كَمَا قَدْ أَمَرْنَا بِالْتَّمَسْكِ بِالْحَبْلِ [۱۷]

«آنگاه که مشاهده کردم مردم در مسئله مذهب در دریای

گمراهی قرار گرفته‌اند، من بانام خدا بر کشتی‌های نجات

سوار شدم که همان اهل‌بیت مصطفی، خاتم پیامبران(ص)

هستند و به حبل الله متمسک شدم که همان ولای آن هاست  
همان طور که به تمسک به حبل [الله] امر شدیم.»

از جمله روایاتی که مفسران و محدثان فریقین ذیل آیه  
شریفة اعتصام بدان اشاره داشته‌اند، «حدیث ثقلین» است  
که نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

«عن ابی سعید الخُدَری، عن النبی (ص) قال: «إِنِّي تَارِكٌ  
فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَثْرَتِي كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ  
مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعَثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِنَّ  
اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ أَخْبَرَنِي أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ  
الْحَوْضَ فَاَنْظُرُونِي بِمَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا؛ [۱۸]

رسول اکرم (ص) فرمود: من در بین شما دو شیء گران بها  
باقی گذاشتم؛ کتاب خدا و خاندانم؛ کتاب خدا [چون]

ریسمانی است که از آسمان به زمین کشیده شده است و  
عترتم اهل بیت من هستند که خداوند لطیف و آگاه به من  
خبر داد که این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا اینکه  
در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند، پس بنگرید بعد از  
من با آنها چه می کنید؟»

نکته قابل توجه این است که در برخی از متون حدیث  
ثقلین، تعبیر «اعتصام» به کاررفته است، مانند نقل «ابن ابی  
شیبه» - متوفای ۲۳ ق - از پیامبر اسلام (ص): «إِنِّي تَرَكْتُ  
فِيكُمْ مَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي إِنْ إِعْتَصَمْتُمْ بِهِ؛ كِتَابَ اللَّهِ وَ  
عَتْرَتِي؛ [۱۹] همانا میان شما چیزی را قرار دادم که اگر به  
آن تمسک کنید، گمراه نخواهید شد، [یعنی] کتاب خدا و  
عترتم.»

استدلال به حدیث «ثقلین» با عبارات مختلف و اسناد متعدد در راستای محوریت «امامت» و تقریب مذاهب اسلامی دارای امتیازاتی است که به اختصار بیان می‌شود:

۱. مورد اتفاق اهل سنت و شیعه: اصل متن حدیث با وجود کمی اختلاف در نقل آن، مورد اتفاق محدثان و دانشمندان شیعه و سنی است. علامه سید شرف‌الدین (ره) در این خصوص می‌گوید: «گروهی از دانشمندان بزرگ اهل سنت، به این مطلب اعتراف کرده‌اند، حتی «ابن حجر» پس از نقل حدیث ثقلین می‌گوید: آگاه باش که حدیث لزوم تمسک به قرآن و عترت، طرق فراوانی دارد و از بیست و چند نفر از اصحاب پیامبر (ص) نقل شده است.» [۲۰]

۲. تواتر در نقل حدیث: یکی دیگر از خصوصیات این حدیث، تواتر آن می‌باشد. علامه شرف‌الدین (ره) می‌گوید:

«سنت صحیح که حکم به وجوب تمسک به ثقلین می کند، متواتر است و به طور تضافر از بیست و چند نفر از اصحاب پیامبر (ص) رسیده است.» [۲۱]

۳. دلالت صریح حدیث بر تمسک به اهل بیت (ع): یکی از امتیازات حدیث ثقلین، جدای از تمام گرایش های مذهبی دلالت آن بر تبعیت و تمسک به اهل بیت (ع) است.

۴. برخورداری حدیث ثقلین از معنا و مفهوم عمیق: خصوصیتی که در استدلال به این حدیث نهفته است، مفهوم عمیق این حدیث می باشد. به صورتی که اولاً در این روایت از قرآن و عترت پیامبر (ص) به «ثقل» تعبیر شده است و ثانیاً در این حدیث شریف اهل بیت (ع) قرین و هم درجه با قرآن ذکر شده اند و این حجت و دلیلی بر وجوب تمسک به آنها است.

«ابن حجر» می‌گوید: این گفته پیامبر(ص) که فرمود: «از آنها پیشی نگیرید و عقب نمانید که هلاک می‌گردید و به آنها نیاموزید که از شما داناترند.» دلیل بر این است که هر یک از اهل بیت(ع) که خود را به مراتب بلند علمی و دینی رسانده‌اند بر دیگران مقدم هستند.[۲۲]

لزوم پذیرش و تمسک به اهل بیت(ع) برای تحقق وحدت اسلامی

از جمله نظریاتی که در باب تقریب مذاهب اسلامی و اتحاد جامعه مسلمانان ارائه شده است، نظریه سکوت و عدم ورود در بحث امامت و خلافت است.

معتقدان به این نظریه در توجیه نظریه خود چنین استدلال می‌کنند که موضوع خلافت و امامت در صدر اسلام، به

همان عصر مربوط است، بنابراین بهترین راه برای کم کردن تنش‌های مذهبی، مسکوت گذاشتن موضوع امامت و خلافت است.

در پاسخ به این نظریه باید گفت: شاید این رویکرد و نظریه بنا بر اعتقادات اهل سنت که امامت در جامعه اسلامی را منحصر در رهبری سیاسی و اجتماعی می‌دانند، مطلوب باشد؛ اما همان‌گونه که می‌دانیم، موضوع «امامت» در مکتب تشیع، دارای شئون متعددی است که تنها یکی از آنها بحث حاکمیت سیاسی و اجتماعی است. شیعه به شأن مرجعیت دینی و علمی ائمه(ع) و نیز شأن ولایت تشریحی و تکوینی آن حضرات(ع) بر سایر مخلوقات اعتقاد دارد. از آنجاکه اصل امامت در مکتب تشیع معنای خاص خود را دارد و از اصول اولیهٔ مذهب شمرده می‌شود و شئون

متعددی برای آن مطرح است، به نظر می‌رسد مسئله  
«وحدت منهای امامت» سخنی گزاف و رویکردی نامناسب  
است.

ما اعتقاد داریم وظیفه دینی و علمی دانشمندان شیعه و  
معتقد به اصل مُسَلِّم وحدت، ایجاب می‌کند که برای تبیین  
صحیح موضوع «امامت» در مکتب تشیع، مناظرات علمی  
و مستندی را با دانشمندان اهل سنت داشته باشند تا در  
سایه آن بتوانند در این موضوع به تفاهم برسند و یا حداقل  
این نظریه مکتب شیعه را به روشنی تبیین کنند و این همان  
رویکردی است که در طول تاریخ، خاصه قرن اخیر توسط  
بسیاری از علمای شیعه بدان پرداخته شده است.

هر زمان که علمای شیعه بر این کار موفق شده‌اند، نتایج  
مثبتی به دست آمده است، مانند مناظرات علمی مرحوم



۲. «استاد عبدالفتاح عبدالمقصود» نیز می گوید: «به عقیده من شیعه تنها مذهبی است که آینه تمام نما و روشن اسلام است و هر کس که بخواهد به اسلام نظر کند، باید به عقاید و اعمال شیعه نگاه کند. تاریخ بهترین شاهد بر خدمات فراوانی است که شیعه در دفاع از عقیده اسلامی داشته است.» [۲۴]

راه تحقق وحدت سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی به یقین طرح مباحث علمی و عاری از تعصب و نیز دوری گزیدن از ناسزاگویی و اهانت، زمینه را برای تفاهم و استحکام وحدت اسلامی فراهم خواهد کرد؛ زیرا «بحث امامت» یا جانشینی پیامبر(ص) و جایگاه «عترت» از مباحثی است که در کتب و منابع معتبر حدیثی اهل سنت به شکل گسترده آمده است، از این رو اگر بتوانیم به طور



کسی که بر آن سوار شد، نجات یافت و آن کس که تخلف ورزید، غرق گردید.»

۲؛ و نیز حضرت (ص) فرمود: «الَّتَجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْغَرَقِ وَ أَهْلِ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْإِخْتِلَافِ فَإِذَا خَالَفْتَهَا قَبِيلَةٌ مِنَ الْعَرَبِ فَصَارُوا حِزْبَ ابْلِيسَ؛ [۲۶] ستارگان موجب امنیت اهل زمین از هلاکت و اهل بیت من امان امت من از اختلاف [در دین] می‌باشند، بنابراین اگر قبیله ای از عرب با آنها به مخالفت پردازند، [معنی آن این است که در احکام خدا] اختلاف انداخته و حزب ابلیس شده‌اند.»

۳. «زید بن ارقم» نقل می‌کند: پیامبر (ص) فرمود: «کسی که می‌خواهد مانند من زندگی کند و هم چون من بمیرد و ساکن بهشت جاویدان موعود پروردگار گردد، باید علی بن ابی طالب را دوست بدارد که او هرگز شما را از هدایت

خارج نخواهد ساخت و هیچ گاه داخل ضلالت نخواهد  
کرد.» [۲۷]

۴. از «عمار یاسر» نقل شده است که پیامبر (ص) فرمود: «بار  
پروردگارا! شاهد باش، کسی که به من ایمان آورده و مرا  
تصدیق کرده است، نباید از ولایت علی بن ابی طالب  
دست بردارد؛ زیرا ولایت او، ولایت من و ولایت من  
ولایت خدا است.» [۲۸]

۵. پیامبر (ص) فرمود: «ای مردم! فضل، شرف، مقام و  
ولایت از آن رسول خدا (ص) و ذریهٔ اوست، بنابراین  
سخنهای بی جا و باطل شما را به بیراهه نکشاند.» [۲۹]

۶. پیامبر(ص) فرمود: «فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا صَفَنَ بَيْنَ الرَّكْنِ وَ  
الْمَقَامِ فَصَلَّى وَ صَامَ وَ هُوَ مُبْغِضٌ لِّ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) دَاخِلُ  
النَّارِ: [۳۰]

همانا اگر کسی تمام عمرش بین رکن و مقام ایستاده و  
مشغول نماز و روزه باشد در حالی که نسبت به آل  
محمد(ص) کینه داشته باشد، داخل آتش است.»

امام شافعی در باب حب اهل بیت(ع) چنین می سراید:

يا اهل بيت رسول الله حبكم

فرض من الله في القرآن انزله

كفاكم من عظيم الفضل انكم

من لم يصل عليكم لا صلوة له

ای اهل بیت رسول خدا! همانا دوستی با شما از سوی خدا در قرآن که خدا آن را نازل کرده است واجب می باشد. در عظمت فضل شما همین کافی است که [بدانیم] کسی که بر شما صلوات نفرستد، نمازش مقبول نیست.

سخن گفتن از وحدت اسلامی، بسیار فراتر از نگارش یک مقاله است؛ ولی از مجموع مطالب طرح شده این نتیجه حاصل می شود که وحدت اسلامی - چنان که بعضی گمان کرده اند - با طرح مسائل اعتقادی و ارزشی مذاهب اسلامی منافات ندارد؛ بلکه منظور از اتحاد اسلامی، ایجاد امت واحده و دوری از تفرقه و اتهامات علیه یکدیگر و استحکام صفوف مسلمانان در مقابل دشمنان اسلام است. مسلمانان در راه رسیدن به این هدف، مشترکات زیادی دارند که یکی از آنها مسئله تمسک به عترت پیامبر (ص)

است و چنانکه بیان شد، دستور به «اعتصام» و تمسک به  
حبل الله که همان عترت و اهل بیت (ع) هستند، در منابع  
اصیل و اولیة اهل سنت نیز وجود دارد.

پی‌نوشت‌ها:

[۱] الغدير، علامه امینی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۳۸۷ق، مقدمه  
ج ۷ (با کمی تصرف).

[۲] آل عمران/۱۰۵.

[۳] حجرات/۱۰.

[۴] انعام/۱۵۹.

[۵] انفال/۴۶.

[۶] انبیا/۹۲ و ۹۳.

[۷] آل عمران/۱۰۳.

[۸] المیزان، علامه طباطبایی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۹ش،  
ج ۳، ص ۴۰۷.

[۹] تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی با همکاری جمعی از  
دانشمندان، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۰ش، ج ۳، ص ۴۱.  
[۱۰] همان.

[۱۱] المیزان، علامه طباطبایی، ج ۳، ص ۵۸۶.

[۱۲] تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و نویسندگان، ج ۳، ص ۴۱.  
[۱۳] هود/۱۷.

[۱۴] بقره/۱۲۴.

[۱۵] المراجعات، علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین، انتشارات اسوه،  
تهران، ۱۴۲۵ق، المراجعه ۱۲، ص ۸۲.

[۱۶] همان، به نقل از: تفسیر کبیر.

[۱۷] همان، به نقل از رشفه الصادی، ص ۲۵.

[۱۸] فضائل الخمسة من الصحاح الستة، سيدمرتضى فيروزآبادی،

اسلاميه، تهران، ۱۳۹۲ق، دوم، ج ۲، ص ۴۷.

[۱۹] المصنف، ابن ابی شيبه، تحقيق و تعليق سعيد اللحام، دارالفكر،

بيروت، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۴۱۸.

[۲۰] المراجعات، علامه شرفالدين، المراجعة ۸، ص ۶۷.

[۲۱] همان، ص ۶۶.

[۲۲] الصواعق المحرقة، ابن حجر هيثمي، باب وصية النبي (ص)،

ص ۱۳۵.

[۲۳] شيعه شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، نشر مشعر،

۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۷۳، به نقل از: جمله رساله الاسلام، قاهره.

[۲۴] شيعه شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، ج ۱،

ص ۳۷۵، به نقل از: فی سبيل الوحدة الاسلاميه.

[۲۵] المراجعات، علامه شرفالدين، المراجعة ۸، ص ۶۹، به نقل از:

مستدرک حاکم.

[۲۶] المراجعات، ص ۶۹؛ به نقل از مستدرک حاکم.

[۲۷] همان، ص ۷۴، به نقل از حاکم نیشابوری.

[۲۸] همان، به نقل از طبرانی.

[۲۹] المراجعات، سید شرف‌الدین، ص ۷۴، به نقل از ابن حجر.

[۳۰] همان، ص ۷۶، به نقل از طبرانی - حاکم، سیوطی.